

متن پرسش

با عرض سلام و تحیت خدمت استاد: بنده چند وقتی است با مطالعه متون فلسفی سوالی در ذهنم متبادر شده است؛ اینکه چه تفاوتی است بین «تشکیک وجود در فلسفه و وجود ممکنات را رقیقه وجود حق دانستن» و «وحدت شخصیه وجود در عرفان که همه چیز را تجلی و نمود حضرت حق می دانند نه عین حق و خدا» توضیح اینکه؛ در عرفان تلویحا پذیرفته شده است که وجود ممکنات وجه تمایزی با حضرت حق دارند (چرا که عین حق نیستند) و تنها تجلی و ظهور وی هستند و در فلسفه نیز همین مطلب بگونه ای دیگر است که تفاوت را ناشی از شدت و ضعف وجود می دانند. اگر در تقریر وحدت شخصیه وجود معتقد به همه خدایی نباشیم باید وجه تمایز موجودات از ذات حق را چه چیزی بدانیم؟ چیزی غیر از شدت و ضعف وجود؟ که این همان مطلب فلسفه اسلامی است. ممنون.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این بحث مهمی است. همین اندازه عنایت داشته باشید که در وحدت شخصی وجود کسی نمی گوید آنچه از ممکنات در صحنه است، خداوند است بلکه گفته می شود حق، از طریق ممکنات و در محدوده‌ی ممکنات ظهور می کند و عارف بصیر از یک طرف متوجهی محدوده‌ی ممکنات است و از طرف دیگر متوجهی ظهور حق در آینه‌ی ممکنات، و بدین لحاظ می گوید حق در صحنه است، نه این که ممکنات حق اند. در تشکیک وجود تنها وجود مطلق حق است و سایر وجودات به نحوی غیر حق و جدای از حق می باشند و این با بی نهایت بودن خدا نمی سازد. موفق باشید